خارج اصول20

دوشنبه 13/ 8/ 98

\*اقسام واجب\*

کلام در مقدّمات مفوّته بود؛ رسیدیم به مقام اثبات.

آنچه در مقام اثبات باید از ادلّه ی نقلی استفاده کنیم، کشف ملاک است که به از دو طریق ممکن است:

1.وجود امر فعلی قبل از زمان واجب؛ مانند امر به حجّ که با استطاعت، فعلی می شود.

2.قرائن خارجی.

اما طریق اوّل

مثلاً آیه ی حجّ \*لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبيلا\*[[1]](#footnote-1) و آیه ی صوم \*فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْه\*[[2]](#footnote-2)؛ با حصول استطاعت، حجّ واجب می شود و با آمدن غروب روز آخر شعبان، روزه ی فردا واجب می شود. از این ادلّه که امر را قبل از زمان واجب، واجب می کنند، استفاده می شود که در باب مقدّمات مفوّته، قبل از زمان واجب، ملاک، تامّ است. طبق این مبنا نیازی به واجب معلّق و شرط متأخر نیست. اگر قیدی هم باشد مانند آمدن زمان حجّ، این قیدِ مادِّه است نه هیئت؛ وجوب حج و روزه متوقّف بر موسم و طلوع فجر ماه رمضان نیست؛ بله واجب متوقّف است ولی وجوب نه، بلکه فعلی است.

اما طریق دوّم

قرائن بر دو قسم اند:

1.مقدّمات حکمت: هرگاه مولا در مقام بیان باشد و بخواهد وجوبی را ارائه دهد و قدر متیقّنی هم در مقام تخاطب نباشد، وقرینه ای نیز بر خلاف آن نصب نشده باشد، واجب حمل می شود بر واجب مطلق و قید همراه آن، قید هیئت است نه مادّه. لذا کشف می شود که ملاک وجوب، تامّ است لذا آنچه قبل از واجب برای اتیان واجب در وقت لازم است، واجب می شود لکن این قرینه ی خارجی محلّ تأمّل است زیرا ذکر وقت در کنار بیان وجوب، شبهه ی مشروطیّتِ وجوب را در بر دارد و یکی از مقدّمات حکمت از بین می رود زیرا این ذکر وقت، قرینه است و در مقدّمات حکمت نباید قرینه وجود داشته باشد.

2.نصوصی که واجب را تعریف می کنند مانند آیه ی \*إِنَّ الصَّلاةَ كانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنينَ كِتاباً مَوْقُوتاً\*[[3]](#footnote-3) و آیه ی \* يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ\*[[4]](#footnote-4)؛ این آیات و روایات که در آنها از واژه ی «کتابت» برای وجوب نماز و روزه استفاده شده است، نتیجه می گیریم که: وجوب صلاة و صیام، با قطع نظر از مقدّمات مفو،ته، تامّ است و این تمامیّت، مقتضی وجوب مقدّمات مفوّته است؛ الّا اینکه در کنار این طائفه، طائفه ی دیگری موجد است مانند \* أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ\*[[5]](#footnote-5) روایت «إذا زالت الشمس فقد وجبت الصلاة و الطهور»؛ جمع بین این دو طائفه مقتضی آن است که در دوّمی شرط مذکور، شرط واجب است نه وجوب؛ و در تمام واجباتّ مهمّ شرعی، وجوب بر پایه ی تمامیّت ملاک است و لازمه ی این جمع آن است که ملاک در نماز و روزه قبل از وقت، تامّ است بطوریکه هرگاه مانعی برای اتیان نماز و روزه در وقت پدید آید، باید آن را از بین برد.

مؤید این مطلب، فرمایش محقّق نائینی است که می گوید: اراده ی تشریعیّه همانند اراده ی تکوینیّه است. مثلاً کسی که اراده ی سفر دارد و می داند برای این سفر باید آب بردارد؛ عقلاء می گویند باید قبل از سفر آب بردارد. در امور شرعی نیز اگر بدانیم برای فلان واجب آینده، باید الآن کاری انجام دهیم، واجب است آن کار را قبل از زمان واجب، انجام دهیم.(پایان)

1. . فيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبيلاً وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمينَ آل عمران/97. [↑](#footnote-ref-1)
2. . شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ هُدىً لِلنَّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى‏ وَ الْفُرْقانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كانَ مَريضاً أَوْ عَلى‏ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُريدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُريدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلى‏ ما هَداكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ بقره/185. [↑](#footnote-ref-2)
3. . فَإِذا قَضَيْتُمُ الصَّلاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلى‏ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقيمُوا الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ كانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنينَ كِتاباً مَوْقُوتاً نساء/103. [↑](#footnote-ref-3)
4. . يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ بقره/183. [↑](#footnote-ref-4)
5. . أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى‏ غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً اسراء/78 [↑](#footnote-ref-5)